پیشخوان

نظر و گذری
بر «تاریخ شفاهی قیام ۱۷ شهریور ۱۳۵۷»

شاهدان واقعه از «جمعه سیاه» چه می‌گویند؟

■ شاهد توحیدی

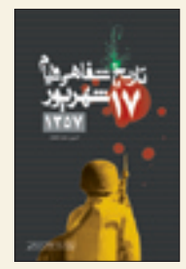

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از نام آن پیداست، بازخوانی «تاریخ شفاهی قیام ۱۷ شهریور ۱۳۵۷» را بر عهده گرفته است. این پژوهش از سوی محمد طحان انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در معرفی این کتاب، نکات ذیل را مورد اشاره قرار داده است:

«انقلاب اسلامی ایران از نادرترین پدیده‌هایی بود که قطعیت تئوری‌های رایج انقلاب را متزلزل ساخت. گسترش فرهنگ سیاسی تشیع و ترویج اسلام سیاسی و حکومت اسلامی، زمینه حضور روحانیت و نیروهای مذهبی را بیش از گذشته فراهم ساخت. اگرچه گذر از اسلام سنتی به اسلام مدرن بدون تنش میسر نبود، لیکن توانست مذهب را به عنوان راهنمای مبارزه وارد میدان سیاست سازد. بعد از رحلت آیت الله بروجردی و تثبیت مرجعیت امام خمینی، جریان مبارزه یا مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی از سوی ایشان آغاز و به دستگیری امام و کشتار مردم در قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ منجر شد. به طور کلی روند مبارزه در ایران با پتانسیل‌های موجود، از سرعت یکسانی برخوردار نبوده است. بعد از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، رژیم توانست با کمک دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی خود - که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ وارد عرصه امنیتی رژیم شده بود- اوضاع را مهار کند. در این دوره که بیش از یک دهه به طول انجامید، نیروهای غیرمذهبی مخالف به انزوا کشیده

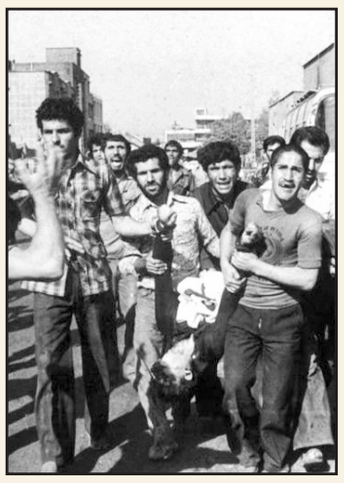

نمایی از کشتار تظاهرکنندگان در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷

شدند و نیروهای مذهبی و جوان، توانستند وارد میدان شوند. با آغاز قیام ۱۹دی مردم قم در سال ۱۳۵۶ که به دنبال شهادت فرزند ارشد امام خمینی و درج مقاله توهین‌آمیزی در روزنامه اطلاعات علیه رهبر انقلاب صورت گرفت، تعداد زیادی از مردم کشته شدند و روند مبارزه وارد مرحله‌جدیدی شد. با برپایی مراسم چهلم شهدای قم در تبریز و به دنبال آن چهلم شهدای ۲۹ بهمن تبریز در شهرهای دیگر، این تراژدی کشتار به صورت زنجیروار تکرار شد تا به واقعه خونین روز جمعه ۱۷شهریور ۱۳۵۷ انجامید. این رویداد که به دنبال برقراری حکومت نظامی و اعلام آن در تهران و ۱۱شهر مهم کشور رخ داد، موجب رویارویی شدید مردم با رژیم شد و عمق این فاجعه و کشتار وسیع مردم در تهران در محافل داخلی و خارجی، بازتاب گسترده‌ای یافت. این رویداد در عرصه‌داخلی، ضمن ایجاد تشنج و سردرگمی در نیروهای رژیم و گسترش دامنه مبارزه در بسیاری از شهرهای دور افتاده، مدیریت بحران سیاسی کشور را دچار تزلزل و سستی کرد، به گونه‌ای که در زمستان همان سال، شاه برای کنترل بحران ناچار به ترک کشور شد. به دنبال واقعه ۱۷شهریور که به عنوان یکی از پدیده‌های شتاب‌زای انقلاب به شمار می‌رود، موج گسترده‌ای از اعتصابات سراسری، بدنه اقتصادی رژیم را با خطر جدی مواجه ساخت. از سوی دیگر این قیام نشان داد نیروی بالقوه انقلابی در حال آزاد شدن است و موقعیت جدید و خطرناکی برای رژیم به وجود آمد. کشتار مردم در روز ۱۷شهریور به دستور فرماندار نظامی تهران به قدری باور نکردنی بود که جراید و اصحاب خارجی را نیز متحیر ساخت و نتوانستند از کنار این قضیه بی‌تفاوت بگذرند. بی‌رحمی و سبعیت رژیم در این رویداد به اندازه‌ای بود که هنوز شاهدان این واقعه حادثه‌آن روز را خوب به یاد دارند...».

«چالش‌های تاریخی» در آیینه روایت و تحلیل صاحبنظران

تاریخ‌سازی رسانه‌ای به مثابه ترفند اصلی دشمنان انقلاب

■ سمانه صادقی

در روزهایی که بر ما گذشت، مراسم رونمایی از کتاب «چالش‌های تاریخی» تألیف عباس سلیمی‌نمین، با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی اشراقی نوه امام خمینی، حسین صفارهرندی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، موسی فقیه حقانی رئیس پژوهشکده تاریخ معاصر و رضا پورحسین رئیس دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران در سازمان اسناد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی برگزار شد. آنچه پیش‌رو دارید، گزارشی از نکات مطروحه در این همایش است.

■■■

■ اشراقی: در برابر شبیخون فرهنگی دشمن باید برنامه داشت

آغازین سخنران این همایش، حجت الاسلام والمسلمین مرتضی اشراقی نوه امام خمینی بود. وی در اظهارات خویش با اشاره به اهمیت نقش مورخان در دوره کنونی، آنان را در عداد جهادگران تبیین قلمداد کرد و اظهار داشت: «یک مورخ باید شجاع باشد و از پروپاگاندای رسانه‌ای نترسد. تحریف امام، تحریف انقلاب، تحریف جمهوری اسلامی و تحریف اسلام ناب محمدی(ص) است. رهبر معظم انقلاب بارها فرموده‌اند در مقابل شبیخون فرهنگی دشمن باید برنامه داشت، چون آنان نیز با برنامه و هدفمند هجمه فرهنگی انجام می‌دهند. به همین دلیل ما نیز باید برنامه داشته باشیم و یکی از مهم‌ترین کارهایی که ما می‌توانیم در مقابل هجمه فرهنگی دشمن انجام دهیم، جهاد تبیین است؛ جهاد تبیین در خصوص انقلاب، امام و دفاع مقدس. وظیفه همه ماست که امام را همان امامی که فی الواقع بودند، معرفی کنیم و نگذاریم منحرفان و مخالفان نظام، ایشان را تحریف کنند. امروز شاخص و ملاک اندیشه‌های امام، رهبر معظم انقلاب هستند. یکی از وظایف مهم مورخ نیز جهاد تبیین است. تبیین حقیقت انقلاب و نظام و توجه به اینکه عده‌ای از معاندین در فضای رسانه‌ای و مجازی و با هزینه‌های فراوان به دنبال تطهیر رژیم فاسد پهلوی هستند. این گروه به دنبال وارونه نشان دادن حقیقت‌اند. اینجاست که مورخ باید جلوی این تحریف آشکار تاریخی را بگیرد و نگذارد استکبار رسانه‌ای به اهداف خود برسد. امروز با توجه به گسترش فضای رسانه‌ای و مجازی و به تبع آن، خبررسانی در این فضا و اثرگذاری آن بر افکار عمومی، حقایق در بسیاری از اوقات به گونه‌ای وارونه نمایش داده می‌شود و به‌تبع آن تحریف در یک واقعه رخ می‌دهد...».

■ سلیمی نمین: مراکز اسناد در انتشار مدارک تاریخی بخل می‌ورزند!

عباس سلیمی نمین رئیس دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران که میزبان این مراسم نیز به شمار می‌رفت، در سخنانی از دغدغه‌های خود در حوزه فعالیتش گفت. بخش هایی از سخنرانی وی، بدین قرار است: «قدرت‌های زیاده‌خواه و سلطه‌طلب، درصدد مخدوش کردن تاریخ ملت‌ها و حمله به شخصیت‌های تاریخی آنها هستند. دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران مفتخر است کارش را در سال ۱۳۸۰ و با دفاع از شخصیت تاریخ ساز معاصر ایران، یعنی حضرت امام خمینی(ره) آغاز کرد. در آن دوران کتاب پاسداشت حقیقت به نگارش در آمد که پاسخی در برابر هجمه‌های سازمان یافته علیه امام بود که در قالب خاطرات آیت‌الله منتظری نشر یافت. پس از نگارش این کتاب، نتوانستیم از سد صدور مجوز وزارت ارشاد عبور کنیم و ناگزیر بودیم نُسَخی را تکثیر و عرضه کنیم تا کمکی برای حل مشکل باشد. خیلی از بزرگان، این اثر را ستودند. از طرفی بدون کمک مراکز اسناد تاریخی، پرداختن به تاریخ سخت است و پژوهش دشوار می‌شود. من حتی گلایه‌ای هم از بیت امام دارم. فکر نکنید که فقط روی سخنم با وزارت اطلاعات، ارتش، وزارت خارجه و... است. حتی بیت گرامی حضرت امام نیز در ارائه بسیاری از اسناد که می‌تواند در مسیر تبیین درست تاریخ کمک کار پژوهشگر و مورخ باشد، کم‌کاری جدی دارد. مثلاً برای پاسخ دادن به کتاب آقای کدیور درباره آقای شریعتمداری، آقای سیدحسن خمینی گفته بودند: ما در جماران اسناد مهمی داریم درباره اینکه امام، واقعاً با نگاه بسیار رئوفانه‌ای در مورد آقای شریعتمداری عمل کردند. با اینکه سیدحسن آقا به من گفته بودند آن اسناد را در اختیارتان قرار می‌دهیم، ولی هنگامی که من دو جلسه از صبح تا بعدازظهر به مرکز اسناد جماران رفتم، اسناد دم دستی‌ای مانند کتاب آقای سید هادی خسروشاهی را به من تحویل دادند! به دوستان گفتم: این کتاب را خود آقای خسروشاهی، مدت‌ها قبل برای من فرستاده است، لذا معتقدم بدون آزادسازی اسناد، اینکه بخواهیم مورخ و پژوهشگر وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، انتظار بجایی نیست. متأسفانه امروز به دلیل بخل‌ورزی مراکز اسنادی و اینکه اسنادی را که ثروت ملت است متعلق به خود می‌پندارند، کار پژوهش بسیار سخت شده است. دشوارتر اینکه وقتی با برخی از مسئولان مواجه می‌شوم، درمی‌یابم کتاب نمی‌خوانند و این را با شجاعت هم مطرح می‌کنند! وقتی شما در جایگاه‌هایی قرار دارید که عده‌ای تحت مسئولیت شما هستند، اگر به کتاب اشراف نداشته باشید، نمی‌توانید در کشور جریان‌سازی و دیگران را به مطالعه تشویق کنید. همچنین نمی‌توانید در مسیر حمایت از اهل قلم، به درستی اقدام کنید...».

■ صفارهرندی: خدشه به ساحت امام می‌تواند همه چیز را نابود کند

حسین صفارهرندی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، دیگر سخنران این همایش بود. وی در اهمیت بازخوانی تاریخ انقلاب اسلامی و پاسخ به شبهات مربوط به آن خاطرنشان کرد: «روزی نکته‌ای را از زبان یکی از عناصر ضدانقلابِ خارج کشور در اوایل دهه ۷۰ خواندم که گفته بود: ما الآن نیاز نیست کار سیاسی کنیم، بلکه کافی است با نسلی که از دوره انقلاب فاصله دارد، وارد گفت‌وگو شویم. باید اطلاعات آنان در زمینه‌های تاریخ و فرهنگ معاصر را منطبق با آنچه خودمان درست می‌دانیم، تنظیم کنیم. اگر آنها اینگونه از ما مطالب را دریافت کردند، عمل سیاسی خود را مبتنی بر آن تنظیم می‌کنند. مثلاً اگر در گذشته عملیات چریک‌های فدایی‌خلق، سیاسی و ضدامنیتی بود، در دهه ۷۰ کم‌کم به این نتیجه رسیدند که آن کارها فایده ندارد و باید یک کار دیگر انجام دهند. به نظرم این کار را هوشمندانه انتخاب کردند. آنان خیلی سریع، راه شرارت در پیش گرفتند و موجی از کتاب‌هایی که روایت تاریخی را تحریف می‌کرد، وارد بازار شد! عزیزانی هم که غیرت‌ملی، انقلابی و دینی داشتند، آستین بالا زدند و هم در جنبه دفاعی و هم تهاجمی، کارهای بسیار خوبی را شروع کردند. آقای سلیمی نمین در زمره همین متقدمین است و ما به عنوان مصرف کننده آثار خوب ایشان، در حقشان دعا می‌کنیم. بنده اهل تاریخ - به معنی کسی که پژوهش تاریخی می‌کند- نیستم، ولی مصرف کننده آثار تاریخی مورخین خودمان بوده و هستم. من این روحیه، غیرت و حساسیتی را که آقای سلیمی بر انقلاب و ارائه یک تصویر روشن و درست از حضرت امام دارد، ستایش می‌کنم. اساساً حساسیت‌هایی هم که ایشان به خرج داده‌اند، در مسائل مهم بوده است. این حساسیت‌ها در نقاطی است که اگر به انحراف در آن مجال داده شود و حقیقتش بازنمایی نشود، تدریجاً به امری بدیهی مبدل خواهد شد؛ دروغ‌های حقیقت‌نمایی که نسل‌های آینده، خیلی سخت می‌توانند واقعیت آنها را پیدا کنند، لذا تا فرصت هست و هنوز نسلی که خالق بسیاری از واقعیت‌های تاریخی معاصر ما بوده در قید حیات هستند، باید این کارها صورت گیرد و از آنها شهادت‌ها و مستنداتی دریافت شود، البته قبول می‌کنم وقتی انسان پا به سن می‌گذارد، ممکن است دیگر حافظه‌اش یاری نکند. بعضی از این ادعاهای تاریخی که شخصیت‌های سیاسی کردند که بعضاً مورد نقد آقای سلیمی در کتاب چالش‌های سیاسی واقع شدند، می‌تواند از همین دست باشد و لزوماً نمی‌گویم که آنها قصد و غرضی برای تحریف تاریخ داشته‌اند، البته ممکن هم است که داشته باشند، اما در بدو امر می‌گویم که یک مقدارش شاید ناشی از همان از دست رفتن حافظه باشد، البته بخشی از این تحریف‌های تاریخی، با هدایت بیرونی انجام می‌گیرد، بخشی هم محصول همان عارضه طبیعی است، لذا این حساسیت باید توسط کسانی که انگیزه دارند، دنبال شود. بعضی‌ها انقلاب را از معبری دریافتند که در پیشانی‌اش حضرت امام بوده است. طبیعتاً خدشه به امام، کل آن معبر را نابود می‌کند. آنهایی که زدن امام را انتخاب کردند، درست فهمیدند که چطور می‌شود همه چیز را واژگونه کرد، چون خدشه وارد کردن به ساحت او می‌تواند همه چیز را تباه کند، پس باید بر حفظ آن هاله قدسی که دور شخصیت امام است، تلاش کنیم. حال با آنهایی که باور و اعتقادی به این امر ندارند بحثی نداریم، ولی امام همان چیزی که روز اول گفتند، روز آخر هم می‌گفتند. امام اصولشان از اول، همانی بود که مطرح کردند و تا آخر هم پای آن اصول ایستادند. آنهایی که معاصر ما نیستند، تاریخ آینده را از روی مکتوبات و آثار منتشره می‌خوانند، بنابراین در هر نقطه‌ای که انحراف از حقیقت اتفاق می‌افتد، باید این حساسیت را نشان داد و گفت، چرا روزی رادیو اسرائیل محلی برای انعکاس نظرات یکی از شاگردان برجسته امام می‌شود؟ کسی که امام خود را در او خلاصه می‌کرد و به قدری برجستگی داشت که بزرگان قوم تصور می‌کردند او در آینده باید جانشین امام باشد. او کسی است که ابتدای انقلاب، حرارت ضداسرائیلی‌اش از امام کمتر نبود، اما روزی چشم باز می‌کنیم و می‌بینیم که منویات و استفتاآتش از طریق رادیو اسرائیل تبلیغ می‌شود! امام به آن فرد می‌گفتند: بیت خود را از آمد و شد لیبرال‌ها و منافقین پاک کنید تا سالم بمانید. وقتی این نصیحت امام ناشنیده گرفته شد، جانشین امام تبدیل به کسی گردید که عناصر ضددین و انقلاب مبلغ او شدند! برخی اوقات که در جمع‌های دانشجویی و جوانان قرار می‌گیرم، دلم می‌سوزد که آنان چرا نگاهی نادرست پیدا کرده‌اند. این ذهنیت‌ها مبتنی بر یافته‌ها و داده‌هایی است که از مجاری انحرافی به ایشان منتقل شده است...».

■ موسی فقیه‌حقانی: تاریخ ۷ هزارساله ما با غرضمندی تبدیل به ۲هزارو۵۰۰ سال شده است!

دکتر موسی فقیه‌حقانی رئیس پژوهشکده تاریخ معاصر در این کنفرانس، تقطیع تاریخ ۷هزار ساله ایران را در زمره اولویت‌های فرهنگی استعمارگران دانست و تلاش مؤلف چالش‌های تاریخی را در ابطال آن ستود. حقانی در این موضوع، نکات پی آمده را مورد اشاره قرار داد:

«ما دارای تاریخی تقریباً ۷ هزار ساله هستیم، اما این تاریخ با اهداف خاص سیاسی و فرهنگی، تقطیع و محدود به ۲هزارو ۵۰۰ سال شده است! کشوری با پیشینه تمدنی و فرهنگی چندهزار ساله و نقش‌آفرینی‌ای که در منطقه داشته و همچنان دارد. هیچ کشور و حکومتی در طول تاریخ، در این منطقه به اندازه ایران تأثیرگذار نبوده و ما همواره به این تاریخ چندهزار ساله و ظرفیت‌هایش افتخار کرده‌ایم و اصلاً آن را محدود به دوران قبل یا پس از اسلام نمی‌کنیم. کل این چندهزار سال، سابقه تاریخی ماست و ما به واسطه آن از ظرفیت‌های مهمی برخوردار شده‌ایم. در همین اتفاقاتی که در یکی دو هفته اخیر افتاد و نه تنها باعث مسرت ایرانیان، جهان اسلام و مظلومین غزه، بلکه موجب خوشحالی آزادگان جهان شد، به نکته‌ای برخوردم که برخی تکرار می‌کنند، البته شاید عبارتی که به کار می‌برند، چندان درست نباشد، ولی اصل حرف درست است. گفته می‌شود با این حرکتی که ایران کرد، پارسیان دوباره احیا شدند! البته زمانی که سرو کله داعش در منطقه پیدا شد و ایران در برابرش به مقابله پرداخت، یکی از شعارها این بود: اولاد صفویین دوباره سرو کله شان در این منطقه پیدا شده است! یعنی همه اینها از اقتدار و بزرگی ایران می‌ترسند. به هر حال ما دارای تاریخ چندهزار ساله هستیم که اتفاقاً دشمن برای اینکه بتواند این ظرفیت را از ایران بگیرد، تمام نیروی نرم خود را بسیج کرده است. دشمن نه فقط تحریف این تاریخ، بلکه غارت این تاریخ را مدنظر دارد. جناب آقای سلیمی نمین مخصوصاً در فصل اول کتاب «چالش‌های تاریخی» به موضوع ورود کرده و نشان داده‌اند این تقطیع تاریخی غلط است، چون ما ملتی هستیم با حداقل ۷ هزار سال سابقه تاریخی و دوم اینکه بسیاری از آثار تاریخی معماری و باستانی ما را از بین برده‌اند، البته بر چیستی این آثار بیشتر تأکید شده، ولی چرایی این غارت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. آقای سلیمی در یکی از بخش‌های کتاب، به فعالیتی که برادرِ سرگور اوزلی یعنی ویلیام اوزلی در ایران داشته، اشاره کرده است. سر گور اوزلی، دومین سفیر رسمی انگلستان در ایران بود. مأموریت او در ایران، یک جنبه سیاسی و یک جنبه فرهنگی دارد. او در تهران کار سیاسی می‌کند و برادرش به همراه ۵۰ نفر مستشرق، ایران‌شناس و باستان‌شناس که به ایران آمدند، در دشت مرغاب و فارس به جست‌وجوی آثار باستانی ایران و غارت منابع می‌پردازند. فهرست کتبی که ویلیام اوزلی از ایران خارج کرده، دو جلد کتاب قطور است. معلوم است که این فرد می‌خواهد تقطیع تاریخی‌ای را سامان دهد که ایرانیان به منابعی که ظرفیت‌هایشان در طول تاریخ را نشان می‌دهد، دسترسی نداشته باشند. نکات و موضوعاتی که ایشان در کتابشان به آن ورود کردند، موضوعاتی است که مبتلابه جامعه سیاسی و فرهنگی ماست. چالش‌ها هم در مواردی است که الان واقعاً وجود دارد. مثلاً هجمه به حضرت امام که واقعاً رکن اساسی تحولات حداقل ۶۰ سال اخیر ایران و ۴۰ ساله اخیر منطقه و جهان بوده‌اند. واقعاً امام را اصلاً نباید محدود به ایران کنیم. وقتی انقلاب شد، مناخیم بگین (اولین نخست وزیر اسرائیل) فهمید این انقلاب، پس لرزه هایش تا تل‌آویو رسیده و به آن نیز اعتراف کرد و شما الان وضعیتی را که ایران در به هم‌زدن این معادلات استکباری این رژیم ایفا می‌کند می‌بینید. آقای سلیمی از این حیث، دست بر نکات حساس و مبتلابهی که ذهن بسیاری از جوانان و فعالان فرهنگی ما را درگیر کرده و شاید معضلات سیاسی- امنیتی برای ما ایجاد می‌کند، گذاشته است. مثلاً باستان‌گرایی و باستان‌ستایی که ایشان به آن پرداخته، یک پروژه کاملاً ضدایرانی و ضداسلامی است. ظاهراً در آن دوره باستانی ایران تقدیس می‌شود، ولی با این تقطیع و ضربه زدن به دوران اسلامی، می‌خواهد ظرفیت‌های دوره دوم را از ما بگیرد. من در این مناظراتی که ایشان داشت، می‌دیدم که بعضی افراد متوجه نکاتی که ایشان روی آن انگشت گذاشته‌اند، نبودند. باستان‌گرایی در ایران، در قالب احیای زرتشتی‌گری، در عراق در قالب بابلیت‌گری و در مصر در قالب فرعونی‌گری بود. متأسفانه یک حرکت گسترده‌ای بود که لطمات فراوانی به سابقه تمدنی کشورهای اسلامی زد و به نظرم ورود آقای سلیمی‌نمین به این عرصه، بسیار مفید بود. با آنکه ایشان بیشتر در حوزه دوران معاصر فعالیت دارند، اما توجه داشته باشیم که الان مسائل دوران باستان ما هم معاصر شده است و نمی‌شود به عنوان یک موضوع صرفاً باستانی به آن نگاه کرد، به همین جهت ایشان با حساسیت و تعهدی که دارند، وارد این عرصه شدند...».

■ رضا پورحسین: نقل دقیق، همواره مقدم بر نقد است

رئیس دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران نیز در این کنگره، به بایسته‌های نقد تاریخی اشارت برد و شیوه عباس سلیمی‌نمین در این باره را ستود. او بر این باور است که سلیمی در نقل نظرات مخالفان، امانت را رعایت کرده و سوگیری نداشته است:

«ما وقتی می‌خواهیم مطلبی را نقد کنیم، قبلش باید آن را به درستی نقل کنیم. متأسفانه نقل‌ها، عموماً امانتدارانه نیست. این فرایند، معمولاً با روحیات شخصی و قالب‌های شناختی افراد ممزوج می‌شود و چیزی را نمی‌گوید یا چیزی را نمی‌نویسد که صاحب اثر گفته یا نوشته است. شهید آیت‌الله مطهری می‌فرمودند: من برای آنکه در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم نقدی بر مارکسیست بنویسم، همه کتاب‌های تقی ارانی و چند نفر دیگر را خواندم و وقتی که خواستم آنها را نقد کنم، اول نظر خودشان را نقل کردم. پس از آن برخی از دوستان به من گفتند، تو مارکسیسم را از خودشان بهتر نقل می‌کنی!... ما اگر بخواهیم نقد کنیم، نخست باید امانتدارانه و بدون بروز هیجان مطلب را نقل کنیم. به نظر من کسی می‌تواند نقد کند که خوب گوش کرده و خوب خوانده باشد و بدون هیجان منفی و سوگیری، از موضوع مورد مخالفت خود روایت درستی داشته باشد. این سکه رایج است که ما چیزی را نقد می‌کنیم، بدون اینکه حتی آن را خوانده باشیم! در آثاری که از آقای سلیمی‌نمین خوانده‌ایم، همه احساس می‌کنیم ایشان با حریت مطالب را نقل می‌کنند و در لابه‌لای نقل هم حتی حین سخنرانی، زبان بدن‌شان نیز سوگیری ندارد! ما ممکن است چیزی را نقل کنیم، ولی گاه با زبان بدن‌مان آن را تمسخر می‌کنیم! سخن مورخی می‌تواند جدی و قابل قبول باشد که در نقل از دیگران جانب امانت را نگه دارد. من با دیدن نقل قول‌ها در کتاب آقای سلیمی، یاد کتاب المراجعات افتادم. ۱۱۱ نامه بین سلیم البشری رئیس وقت دانشگاه‌الازهر و مرحوم سید عبدالحسین شرف‌الدین عالم شیعی لبنانی، در این اثر ذکر شده است. اینها در این نامه‌نگاری‌ها به قدری فدای هم می‌شوند که انسان از این همه لطف می‌ماند! متأسفانه این سنت رها شد تا اول انقلاب که مناظره شهید آیت‌الله بهشتی با نورالدین کیانوری و علامه مصباح یزدی با احسان طبری پخش شد و این خصلت در آن نیز بروز داشت. بعد از آن، تقریباً این سنت فراموش شد. گاهی به شکل مکتوب، این سنت در نامه‌نگاری‌ها دیده می‌شود. مثلاً نامه‌نگاری محمدرضا خاتمی با مرحوم عسگراولادی، چنین حالتی داشت. گرچه رفت و برگشت مؤدبانه و خوبی داشت، ولی نمی‌دانم چرا در وسط راه، تبادل این مکتوبات قطع شد. نکته دیگر، توجه آقای سلیمی به اسناد، در مقام گفت‌وگوست. کلی گویی و به عبارتی بدون سند حرف زدن، مرسوم است. این فرایند چون با هیجان و لفاظی اتفاق می‌افتد، به شنوندگان القا می‌شود که این عین سند است، اما ایشان به دور از اینکه بخواهند از ترفند القا استفاده کنند، سند و صفحه مربوط را می‌آورند. نمونه‌ای از این مستند صحبت کردن را در نقد ایشان بر خاطرات آقای ابراهیم یزدی دیدید. انتخاب سوژه هم نشانگر دغدغه، حسن انتخاب و تسلط آقای سلیمی بر تاریخ است...».

عباس سلیمی نمین: «معتقدم بدون آزادسازی اسناد، اینکه بخواهیم مورخ و پژوهشگر وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، انتظار بجایی نیست. متأسفانه امروز به دلیل بخل‌ورزی مراکز اسنادی و اینکه اسنادی را که ثروت ملت است متعلق به خود می‌پندارند، کار پژوهش بسیار سخت شده است. دشوارتر اینکه وقتی با برخی از مسئولان مواجه می‌شوم، درمی‌یابم کتاب نمی‌خوانند و این را با شجاعت هم مطرح می‌کنند!»

مرتضی اشراقی: «یکی از وظایف مهم مورخین، جهاد تبیین است. تبیین حقیقت انقلاب و نظام و توجه به اینکه عده‌ای از معاندین در فضای رسانه‌ای و مجازی و با هزینه‌های فراوان، به دنبال تطهیر رژیم فاسد پهلوی هستند. این گروه، به دنبال وارونه نشان دادن حقیقت‌اند. اینجاست که مورخ، باید جلوی این تحریف آشکار تاریخی را بگیرد و نگذارد استکبار رسانه‌ای به اهداف خود برسد»